



نام و آشناسنای تلویزیون از شبکه ۲سپما پخش می شود.

این مجری کاربلد، در این برنامه هم مثل بقیه کارهایش با اجرای شاد، جذاب و پرتازنی مخاطبان بسیاری را پای



تولدی ۱۳۴۸- تهران

تحصیلات: کارشناس هنر

ویژگی: مجری - بازیگر آثار

پرمخاطبی ازجمله نیمرخ،

صبح آمد، سفر به جزایه،

پلاک ۳۹، ساعت خوش و...

# به خاطر پول و شهرت بازیگر نشدم!

گفت و گو با حسین رفیعی، مجری برنامه «مدار بسته»

سرگرم کننده و اجرای حسین رفیعی، هنرمند با سابقه و نام آشناسنای تلویزیون از شبکه ۲سپما پخش می شود. این مجری کاربلد، در این برنامه هم مثل بقیه کارهایش با اجرای شاد، جذاب و پرتازنی مخاطبان بسیاری را پای

با کدام برنامه در میان مردم

شناخته شدید؟

سال ۱۳۷۷ بعد از اجرای برنامه نیمرخ شخصیت

فقه، حسایی گل کرد و هنوز هم بچه‌های دیزوز

مرا با نام فقه می‌شناسند. جالب است خیلی‌ها

هنوز که مرا می‌بینند اسمم را شاید یادشان نیاید

ومی‌گویند شما همان فقه هستید.

گرفتن « و ترس» که من و محمد شعبانپور

با گرم بین مردم رفته و آن را ضبط کرده‌ام.

دوربین مخفی‌ها واقعا جالش برانگیزند و نشان

می‌دهند مردم ما چقدر مهربان و دوست‌داشتنی

هستند

در یکی از دوربین مخفی‌ها

به عنوان پیر مردی که ترس از فضای بسته

دارد در آسانسور حالتان بد شد و مردم سعی

کردند به شما کمک کنند. از اتفاقات پشت

دوربین آن روز برایمان بگویند.

در آن قسمت پیرمردی بود که به قدری

همذات‌پنداری کرد که وقتی دید حالم من بد

شد، به گریه افتاد. من خودم خجالت کشیدم

و گفتم اجازه بدهید پخش نکنیم؛ چون حفظ

کرامت انسان‌ها برایمان مهم‌تر است. البته اتفاقات

بازمه هم زیاد داریم؛ مثلا در دوربین مخفی‌ای که

من می‌خواستم همسرم را طلاق بدهم، پیرمردی

با عصبانیت و پر خاش می‌گفت: «خجالت بکش،

آدم که زنش را طلاق نمی‌دهد…» و می‌خواست

کنتم‌بزند.

در دهه حضور در تلویزیون در

قامت بازیگر و مجری حاضر بودید. خودتان را

بیشتر بازیگر می‌دانید یا مجری؟

همیشه گفته‌ام بازیگری بوده‌ام که نقش یک

مجری را بازی می‌کردم، اما چون به‌عنوان مجری

بازیگر وارد این عرصه شدم، کارهای سینمایی

و تلویزیونی کمتر به من پیشنهاد شد؛ البته

هیچ‌وقت فکر نکردم مجری هستم یا بازیگر چون

همیشه گمان دارم به‌عنوان هنرآموز در این عرصه

در کنار آدم‌های بزرگی کار کرده و موختم‌ام.

به‌زعم خودتان سکوی پرتاب‌تان

در دنیای بازیگری کدام برنامه بود؟

یک مجموعه به‌نام ۳۹بود که همراه بیژن

بنفشه‌خواه، مهران غفوریان، کیهان ملکی،

زنده‌یاد علی سلیمانی و… بازی کردیم و سال

۱۳۷۲ از تلویزیون پخش شد.

### گذر عمر

برای هنرمندان پر مشغله‌ای که چند دهه با مردم سروکار داشته‌اند، برخی حرف‌ها و

یادآوری‌های مخاطبان گاهی موجب حیرت می‌شود. رفیعی هم یکی از خاطراتش را چنین

مرو می‌کند: «بومی از رفتارهای مردم یادآور گذر عمر است و آدم را حیرت‌زده می‌کند؛ مثلا

سال‌ها پیش یک کاراکتری داشتم به اسم «چیم چمل». یاد هست به یک سفر خارجی رفته

بودم یک پسر بچه ۵-۶ساله‌ا ز من خواست کلاه‌م را به او بدهم. چند سال بعد دوباره باز به

همان کشور رفتم. آقای بچه به بغل آمد جلو و گفت: «یادت هست کلاه‌ت را به من دادی؟ حالا

یک کلاه‌م به پسرم بده.» و من تعجب کردم که این ۱۰واندی سال چقدر زود گذشته‌است…»

## یاد

وقتی از رفیعی می‌خواهیم از برخورد مسردم در کوچه و خیابان‌ خاطر تعریف کند، اینطور می‌گوید: «خاطره که زیاد است. خیلی‌ها می‌گویند ما بچه‌بودیم شما را در تلویزیون دیدیم. یادم هست یک‌بار پیرزنی ۸۰ساله به من گفت «تونوستاژی دوران کودکی من هستی!» اول تعجب کردم، ولی بعد با خودم گفتم حتما او مرا ۲۰سال پیش و وقتی ۲۰ساله‌بوده در تلویزیون

دیدم و از آن دوره به‌عنوان کودک بی‌سادم می‌کند. یک‌بار هم برای برنامه «صبح آمد» صبح‌های زود به تلویزیون می‌رفتم که بر ف شدید آمده بود و در برنامه بچه‌ها با گلوله بر ف

مرا می‌زدند که یک‌دفعه یک آقای عصبانی آمد و گفت: «خجالت نمی‌کنی من صبح‌ها از زیر

پرتو تلویزیون می‌بینم و تو همش داری بر ف بازی می‌کنی…» برویگر بخواب دیگه… اعصاب

ما را خرد کردی!!!»

چون به‌عنوان مجری – بازیگر طنز تکلیف معلوم است، باید کارهایم مردم را سرگرم کند و بخنداند. خیلی می‌شنوم که می‌گویند: روزهای جمعه‌م به کارگاه می‌رود. همیشه در

کار و تلاش الگو و مشوق بچه‌هایش بوده‌هست. **خودتان را هم پسر موقی**

می‌دانید؟

تلاش کرده‌ام که باشم. یک دختر به نام نارگل و

یک پسر به نام بارید دارم که در کار و زندگی دنبال

علاقش شان هستند و من هیچ‌وقت مجبورشان

نکردم کاری را که فکر می‌کنم درست‌است، انجام

دهند و فقط حمایتشان کرده‌ام.

**بچه‌هایتان در کار هنری دنباله‌رو**

شمانبودند؟

نه، اصولا بچه‌های ما بازیگر‌ها، دنبال بازیگر شدن

نمی‌روند. بارید کوچک‌تر بود، نقاشی می‌کشید و

نمایشگاه داشت، اما کم‌کم تماایلش عوض شد و

سراغ ورزش رفت؛ الان هم دانشجوی رانشناسی

است. دخترم نارگل هم گرافیک می‌خواند و به

موسیقی هم علاقه‌منداست.

**اوقات فراغت‌تان را چطور**

می‌گذرانید؟

ما بچه‌های دهه ۴۰طوری بزرگ شده‌ایم که

اوقات فراغت در خانه کار می‌کنیم و هر چیزی را

که خراب شود خودمان درست کنیم. به‌اصطلاح

همه‌فن حریف هستیم و تقریبا هر بس کار می‌از

سیم‌کشی و نجاری تا بنایی و لوله‌کشی را بلد

هستیم(می‌خندد)

مانسلی هستیم که برای تولد ۱۳سالگی‌مان پارچ و

لیوان هدیه می‌گرفتم.

**اهل سفر هستید؟**

بسیار زیاد. تقریبا به همه جای ایران سفر کرده‌ام

و ماه‌های فروردین و اردیبهشت که بهترین ماه‌ها

برای سفر کردن است، کار کمتر قبول می‌کنم تا

به سفر برویم.

**در میان کار برای تلویزیون، سینما**

**و شبکه‌نمایش خانگی، اولویت‌تان کدام**

است؟

همه اینها که گفتید رسانه و فـراغ از بعد

آموزشی و فرهنگی‌شان، سرگرم‌کننده

هستند، برای من قالب کار فـرق نمی‌کند؛

# همیشه بازیگر

## مکت

**کشف علی صادقی**

مسعود روشن پژوه می‌گوید:

یکی از ویژگی‌های مسابقه

محلّه کشف ظرفیت‌های

پنهان بچه‌هایی بود که

جلوی دوربین به‌اصطلاح

شیرین‌کاری می‌کردند.

یکی از معروف‌ترین

استعدادهای کشف‌شده

در برنامه، علی صادقی،

بازیگر کم‌دی کشورمان

است. روشن پژوه در این‌باره

می‌گوید: «برای ضبط برنامه

به مدرسه‌ای در تهرانپارس

رفته‌بودیم. بچه‌هایی آمدند

و شیرین‌کاری می‌کردند که

متوجه شدیم علی صادقی

استعداد خوبی دارد. او را

خورد و این بچه شد علی

صادقی بازیگر قسمت بود

علی صادقی که به گفته

پدرش می‌خواست یک

مهندس مکانیک بشود،

یک بازیگر خوب شد.»

## پرسیاسوری

روزنامه‌نگار

گفت و گو با مسعود روشن پژوه، مجری تلویزیون:

## رکوردار مسابقات تلویزیونی با ۷هزار اجرا هستم

مسعود روشن پژوه از مجریان موفق و مشهور

تلویزیون است که بیش از ۳ دهه، اجرای

برنامه‌های سرگرمی تلویزیون را به عهده داشته،

اما شهرت او بیش از هر چیز برای برگزاری

«مسابقه محلّه» است: همان برنامه‌ای که در آن

با یک میکروفن به محلّه‌های شهرها و روستاهای

دور و نزدیک می‌رفت و در میان بچه‌هایی که

از سسرو کول هم بالا می‌رفتند، مسابقه‌ای شاد

و پرهیجان اجرا می‌کرد. مسابقه‌ای که باعث

شد مجری محبوب، پس از ۳۰سال نوستالژی

مشترک اهالی همه محلّه‌های ایران شود. به

پهانه حضور آقای مجری در برنامه مدار بسته که

این روزها از شبکه دو سپما پخش می‌شود، با او

هم‌کلام شدیم.

**در جوانی تکنیسین تعمیر و**

**نگهداری هواپیما بودید. چطور وارد عرصه اجرا**

**در تلویزیون شدید؟**

پدرم از فرماندهان نیروی هوایی ارتش بود و به‌خاطر

پدرم، مکانیکی هواپیما خواندم، اما به‌خاطر علاقه‌ام

در تئاتر و تلویزیون بازیگری هم می‌کردم. یک روز

رفتم چک‌کارم را از تهیه‌کننده بگیرم که گفت اگر

می‌خواهی چکت را بگیرم با من بیا. به سمت پارک

ساعی رفتم، دیدم حدود ۴۰۰۳۰ نفر هم آنجا بودند.

تهیه‌کننده گفت حالا که تا اینجا آمده‌ای، در تستی

که برای اجرای برنامه می‌گیرند شرکت کن. تا آن

موقع من اجرا نکردم بودم و بیشتر بازی بلد بودم.

باور‌تان نمی‌شود آن لحظه تست دادم و از میان ۴۰نفر

من انتخاب شدم.

**یادتان می‌آید که نخستین و آخرین**

**اجرای مسابقه محلّه کی بود؟**

آبان‌ماه سال ۱۳۶۹ نخستین و اسفندماه سال ۹۸ و

در آغاز پاندمی کرونا آخرین مسابقه محلّه از تلویزیون

پخش شد چون به‌خاطر حفظ فاصله اجتماعی دیگر

نمی‌توانستیم آن را برگزار کنیم. البته این مسابقه

تعطیل نشده و همچنان اجرامی‌شود.

**کجا و چگونه اجرامی‌شود؟**

در شهرهای مختلف و به دعوت شهرداری‌ها و

استانداری‌ها اجرا می‌کنیم، ولی از تلویزیون پخش

نمی‌شود.

**با یابان پاندمی چرا دوباره برای اجرای**

**مسابقه محلّه به تلویزیون برنگشتید؟**

داستان کمی پیچیده است. بعد از کرونا دیگر

تلویزیون به اجرای این مسابقه روی خوش نشان

نداد؛ البته من هم پیگیری نکردم، چون معتقدم در

این سن و سال و با پیشینه این مسابقه من نباید دنبال

تلویزیون باشم. حالا هم افتخار می‌کنم که این برنامه

در ۳۰سال و با بیش از ۷هزار اجرا رکورددار مسابقات

تلویزیونی‌است.

**فکر می‌کنید قطع برنامه به خاطر**

**کمبود بودجه بود؟**

این برنامه بودجه آنچنانی نمی‌خواست. مدیران

وقت شبکه تصمیم گرفتند این برنامه مثل خیلی از

برنامه‌هایی که مخاطب داشتند، دیگر نباشد.

**عجب. خوب، اگر موافق باشنید**

**برگردیم به سال‌هایی که برنامه هر هفته اجرا**

**می‌شد. طرح همه آیت‌های مسابقه خودتان**

**بودید؟**

در قسمت‌های اول، طراحی اولیه‌اش با امیر سماوات

بود، ولی بعد خودم طراحی‌اش را انجام دادم. تا حالا

چند بار بازی برای مسابقه محلّه طراحی کرده‌ام. به

جز این، تقریبا ۹۹درصد برنامه‌های دیگر را هم که

برای تلویزیون اجرا کرده‌ام طراحی‌شان خودم بوده‌ام.

**بازی محبوب خودتان چیست؟**

در کودکی لی‌لی بود و تا دبیرستان لی‌لی بازی

می‌کردم. به‌نظرم بازی همچنان انگیزی‌است و تمرکز

و تحرک را یک‌جا لازم دارد.

**خاطراتان هست که مسابقه محلّه را در**

**چند شهر و کشور اجرا کردید؟**

شش‌روش که از محلّه‌های تهران بود، ولی در

ادامه برای اجرا به همه استان‌های کشور و بالغ بر

۴۰۰شهرستان رفتم. البته بعد‌ها میان ایرانیان

امارات، ترکیه و برخی کشورهای اسکاندیناوی هم

اجرا شد.

**پس در خارج از ایران هم با این**

**مسابقه آشنا بودند؟**

بله. مسابقه را از شبکه جام جم دیده بودند، کاملا

می‌شناختند و اتفاقا خیلی هم استقبال کردند.

**تا توجه به اینکه گرایش بچه‌ها این**

**روزها به بازی‌های دیجیتال و موبایل بیشتر شده،**

**فکر می‌کنید اگر مسابقه محلّه الان هم پخش**

**شود، باز هم محبوبیت بیدامی‌کند؟**

قطعا محبوب است. دنیای بازی بچه‌ها انتها ندارد؛

ذات مجربوست و خیزرکن است و هنوز با

چیزهای ساده مثل یک توپ سرگرم می‌شوند.

**این مسابقه در میان بزرگ‌ترها هم**

**طرفدار دارد؟**

بسیار زیاد. هنوز هم موقع اجرا باید پدر و مادر‌ها را از

برق‌کشیکم که وسط‌کادر نبایند. (می‌خندد)

**خودتان دلیل محبوبیت این برنامه را**

**چه می‌دانید؟**

واقعیت این است که این برنامه به نوعی ساختار شکن

بود؛ یعنی تا قبل از آن در برنامه‌های کودک از بچه‌ها

می‌خواستیم مرتب بنشینند و دست‌به‌سینه باشند،

اما در «مسابقه محلّه» بچه‌ها همان شکلی حاضر

می‌شدند که خودشان بودند. با دهمایی و لباس

به کودکانی که مظلوم و معصوم هستند، اما

بی‌رحمانه و ناجوانمردانه بتازد.» این

هنرمند که از یادآوری رنج کودکان مکدر

شده، می‌گوید: «کاش در این دوره به

دنیا نمی‌آمد و شاهد این حجم ظلم به

کودکان نبودم.»

### چند بار

**خانه‌مان را آتش زد!**